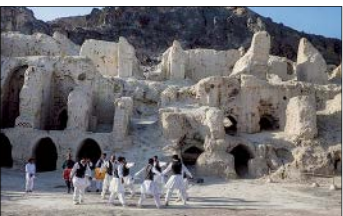


۱۶ زندگی ایران جامه

خبر

هفته‌های فرهنگی سیستان و بلوچستان

شاید شنیده باشید که چندی پیش سیستان و بلوچستان پایتخت گردشگری کشورهای حاشیهٔ اقیانوس هند در سال ۱۴۰۰ شد. این انتخاب یعنی بالاخره این استان مهجور اما زیبا و پر جاذبه کشورمان مورد توجه مردم در داخل و خارج از مرزهای ایران قرار گرفته. شاید بر همین اساس است که مسوولان این استان که تاکنون تلاش زیادی برای معرفی استان شان داشته اند، هفته‌های فرهنگی این استان را در مناطق مختلف کشور برگزار کرده‌اند. این هفته‌ها که به گفته مدیرکل دفتر بازاریابی و تبلیغات گردشگری شامل ۱۵ هفته فرهنگی با هدف معرفی ظرفیت‌های گردشگری سیستان و بلوچستان می‌شود و قرار است تا پایان امسال در شهرهای تهران، یزد، کرمان، بندرعباس، بیرجند، مشهد، بجنورد، گرگان، اصفهان و دیگر شهرها برگزار شود.



محمدابراهیم لاریجانی می‌گوید: در راستای اجرای طرح معرفی سیستان و بلوچستان و تشویق برای سفر به این استان، برگزاری هفته‌های فرهنگی سیستان و بلوچستان را دنبال می‌کنیم. اجرای گروه‌های موسیقی استان و نمایش ظرفیت‌های گردشگری و ارائه بسته‌های سفر در دستور کار این هفته‌های فرهنگی در مناطق مختلف کشور است.
ظاهرا اولین هفته فرهنگی در یزد برگزار و با استقبال چشمگیر مردم مواجه شده که بخش خصوصی گردشگری هم در آن حضور پرزرنگی داشته است.

طراح:بیژن گورانی

جدول شماره ۵۴۴۱

جدول عادی

افقی:

۱) سرتق، دزدی- مخترع سینما- حسن بویایی (۲) لباس محلی زنان هند- پایتخت بولیوئی- دالان ورودی خانه‌های قدیمی (۳) نج بی‌پایان- روزنامه- بالاترین مقام نظامی اروپایی (۴) همگانی، عمومی- شهری در خوزستان (۵) نوشین- نوعی بیماری گیاهی قارچی- حرص (۶) روغنی- غذای ظهر- دوستی بی‌غل و غش (۷) پاکیزه- در نزدیکی- میوه (۸) شهری در استان زنجان- بخشی از بدنه خودرو- متداول (۹) بندگی- بهشتی- داستان کوتاه (۱۰) نژاد مردم پرو- امیدواری- ساعت دست (۱۱) بازداشتن- حالت قانونی پیدا کردن- ساقه‌ریزمینی ریواس (۱۲) شعله آتش- مقاومت متغیر سه سر (۱۳) داری تناسب- قابل خواندن- خاک سفالگری (۱۴) ارزیابی ذهنی- ساز پدالی- بزرگان (۱۵) محل ورود- فخر فروشی - از رشته‌های ورزش قایق‌رانی.

عمودی:۱) پس‌ غذا- شهری در استان کهگیلویه و بویراحمد- خطایی در فوتبال (۲) امیزی-فیلم آن دیگرها- برای بیان استننا به کار می‌رود (۳) خیس- مجموع رفتارهای متقابل- نیستان (۴) کشتزار برنج- نوعی پارچه پنبه‌ای- سرای نیکوکاران (۵) ابزاری برای انتقال پیام- دوستان (۶) شجاع - از عناصر تشکیل دهنده هوا- نماد پروپیی است (۷) از آثار مشهور هومر- نفس سرزنش‌کننده آدمی- آب منجمد (۸) از حیوانات- آموختن- محافظ گل (۹) گشاده- قرارداد استعماری نفت ایران و انگلستان- نوعی پارچه نخی ظریف



در یک قدمی وزارتخانه گردشگری و میراث فرهنگی

بالاخره شورای نگهبان مهر تایید خودش را روی پرونده تشکیل وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی کوباند و این تاییدیه را به مجلس اعلام کرد. این خبر را عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرده و گفته شورای نگهبان طرح تشکیل وزارت میراث فرهنگی را مغایر شرع و قانون اساسی تشخیص نداد و موافقت خود را با تشکیل این وزارتخانه به مجلس اعلام کرد. / جام جم



دره پل پرزین، جایی است سبز و خنک با آبشارهای زلال در دل خوزستان داغ

دره آبشارها

فاطمه فراهانی

ایران

از طرف يك دوست به دس‌تم رسید. دره سبز پل پرزین.

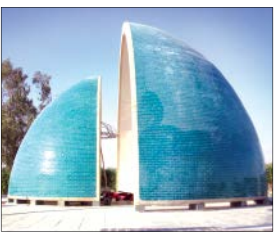
خوبی سفر به خوزستان برای رسیدن به دره سبز این بود که می‌توانستیم اهواز و شهرهای اطراف و زندگی مردمش را هم در گرم‌ترین فصل سال از نزدیک ببینیم. دره پل پرزین در شمال شوشتر قرار دارد و تا نزدیکی

گرم و شرجی باشد. به ایستگاه اهواز رسیدیم؛ اولین نقطه‌ای که گرما و رطوبت هوا نفسمان را بند آورد. همان‌طور که حدس زده بودم مردم در این منطقه زندگی شبانه دارند و تا مجبور نباشند در روزهای طولانی تابستان بیرون نمی‌آیند. گویی در این شهر قانون نانوشته‌ای وجود دارد که هر چه روز هوا گرم‌تر باشد، شب‌ها پر جنب و جوش‌تر خواهد بود.

قرارمان را برای چهارشنبه گذاشتیم و کوله‌هایمان را بستیم و با ماشین راهی شوشتر شدیم. در میان وسایلی که همیشه همراه دارم، این بار چادر و کیسه خواب هم برداشته بودم. انگار دلمان می‌خواست مدت بیشتری در میان طبیعت نفس بکشیم. از شوشتر که گذشتیم رفتیم سمت گتوند.

در شهر برای خرید آب، توقف کوتاهی داشتیم که تابلوی قهوه‌ای رنگ نظرم را جلب کرد. آژمگاه قیصرامین‌پور، شاعر پراوازه معاصر کشورمان.

و رسیدیم به قیصر شعرا

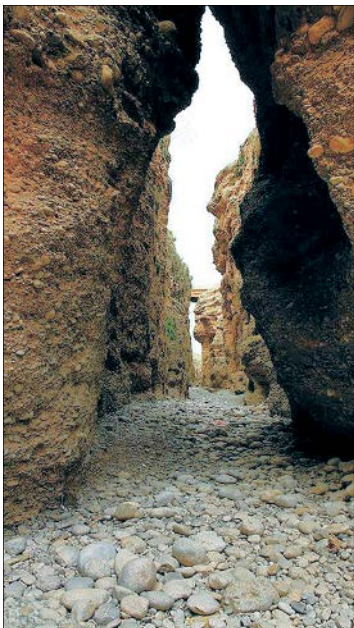


قیصر امین‌پور، زاده همین شهر بوده و حالا در همین شهر خفته است. مقبره زیبا و آرامی داشت. برابم عجیب بود که تا به حال در مورد آرامگاه این شاعر چیزی نخوانده بودم. بنای مقبره مدور است و روی چند پله مدور هم قرار دارد. بنای اصلی شامل دو گنبد به اندازه‌های متفاوت رو به روی هم است که سنگ قبر شاعر در میان آنها قرار گرفته. روی گنبد‌ها با آجرهای فیروزه‌ای رنگ تزیین شده و در میان

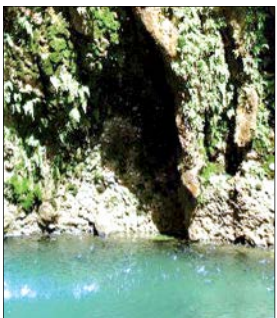
آبی‌های آسمانی اش خوشنویسی زیبایی نمایان است. به میان گنبد‌ها که وارد می‌شوی، اولین چیزی که جلب توجه می‌کند، سنگ قبر سیاه در میان‌های شکلی است که در میان گنبد‌ها قرار گرفته. روی سنگ قبر هم شعرهایی از قیصر امین‌پور حکاکی لیلیان وینچ ایرلندی (۲) کوده‌ریگ- بازگرز زمی‌کار فیلم معبد شانولین- تار بافتن عنکبوت (۱۳) شرح و تفسیر- آسمانی- مکمل زیبایی‌ر (۱۴) مرتبه شد ساعتی آنجا بنامیم و شعرهای قیصر را که روزگار نوجوانیم را با آن گذرانده بودم، دوباره مرور کنیم.

کاشی‌های مدرسه غیاثیه در موزه‌های انگلستان و روسیه

سارقان کاشی‌های دیوارهای مدرسه غیاثیه خرگرد. یکی از بناهای باشکوه دوره تیموری را چنان جوده‌اند که از تزیینات این مدرسه تاریخی نشانی باقی نمانده. گویی آفت به جان این مدرسه افتاده و حالا تنها دیوارهای کاهگلی مدرسه برجای مانده است. محمود باعقیده، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خواف در خراسان رضوی به صدای میراث گفته که سارقان، کاشی‌های مدرسه غیاثیه را به موزه‌های انگلستان و روسیه منتقل کرده‌اند.



دوباره به راهمان در میان دره ادامه دادیم. از کنار دیواره‌های دره، آبی زلال در جریان بود. رد آب و چهچهه پرندگان را گرفتیم و پیش رفتیم، حتما باید به چشمه‌ای برسد و نمی‌شود کنار چشمه درخت و سبزی و پوشش گیاهی نباشد. در قسمت‌هایی که عمق آب بیشتر بود، ماهی‌های کوچکی در حال شنا بودند. وجود آب و صخره‌های بلند، هوا در این قسمت از خاک خوزستان را فوق‌العاده مطبوع و دلچسب کرده بود. پوشش گیاهی رفته رفته هودیا می‌شد و دیگر مطمئن بودیم باید به چشمه‌ای برسیم، اما طبیعت سورپرایز دیگری برایمان داشت.



صدایی که ما را به سمت خود می‌کشاند، صدای چشمه نبود؛ آیشاری بود کوچک، اما سرد و زیبا و چشم‌نواز می‌توانید تصورش را بکنید در خوزستان و در این فصل داغ و در تنگه‌ای ناپیدا، آیشاری به ما سلام بدهد؟ آفتدرها بزرگ نبود، ولی آب از بالای صخره از میان گیاهان و درختان سبز به سمت پایین دره در جریان بود و نام این پدیده قطعاً آبشار بود. به وجدآمده بودیم و حال می‌دانستیم خنکای هوای دره، نه تنها به‌خاطر سایه صخره‌ها که درواقع به‌خاطر وجود این آبشار سرد و گوارا و سرمست‌کننده بود.

و آبشارهایکی پس از دیگری

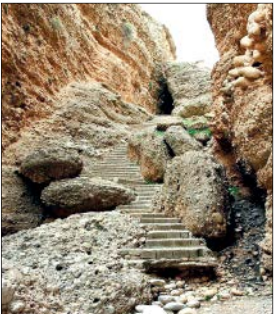
به سختی از آنجا دل‌کنندیم و به پیاده‌روی ادامه دادیم. دره درست از جایی‌که آبشار کوچک جاری بود و در ادامه مسیر، زیبایی‌اش دو چندان می‌شد. در حدود ۳۰ دقیقه پیاده‌روی به يك آبشار بزرگ‌تر رسیدیم که گویی جریان آب از اینجا شروع می‌شد.

آب رودخانه باریکی که در کنار دیواره دره در جریان بود، به قدری زلال و شفاف بود که زیر نور خورشید می‌درخشید و گویی تکه‌های الماس در آن ریخته بودند. رو به روی آبشار نشستیم و به طبیعت بکر دره خیره شدیم و غوطه‌ور در این فکر که آیا اگر به کسی بگوییم در چند کیلومتری اهواز و شوشتر مکان و طبیعتی به این زیبایی وجود دارد، باور می‌کند. آرامش دره مراد در خود محو‌کرده بود و زمانی به خودآمدم که آفتاب در حال غروب بود و دوستان نگران، به دنیاالمان آمده بودند.

قرار بر این شد شب در همین جا اتراق کنیم. برای همین برگشتیم و کوله‌ها و وسایل را با خود به آنجا آوردیم. لذت خواب زیر نور ستارگان در دره‌ای بلند و باریک، با صدای شرشر آب و جیرجیرها و حرکت سنگ‌ها در میان آب توصیف‌کردنی نیست.



بر بلندای دره‌ای ناپیدا



به مسیر ادامه دادیم. از چند نفر محلی مسیر درست دره پل پرزین را سؤال کردیم، اما اکثرا یا اطلاعی نداشتند یا عجیب و گیج‌کننده، نشانی می‌دادند. بالاخره جوانی با موتور همراهی‌مان کرد و مسیر را به ما نشان داد. راهنمای محلی‌مان بعد از گذشتن از روستای کیارس در کنار يك پل فلزی ایستاد و گفت این پل، همان پل پرزین است که می‌خواهید.

گویی قبلاً پلی چوبی روی دره توسط اهالی ساخته شده بود و برای همین نام دره به پل پرزین مشهور است، اما امروز خبری از پل چوبی نبود و پل

شما احتیاط کنید اما



اگر دلتان می‌خواهد به این طبیعت زیبا سفر کنید، حتما لباس گرم با خود همراه داشته باشید. خنکای هوای روز در دره، در شب به سردی تبدیل شد؛ به قدری که تمام مدت شب، پتو به دور خودمان پیچانده بودیم و گاهی از زیر پتوهم سوز سرما را احساس می‌کردیم.

شب را داخل چادر و کیسه خواب به صبح رساندیم. البته گاهی به یاد حرف راهنمایمان می‌افتادیم که چند بار گفت در داخل دره نخواهید آنجا عقب‌رب دارد. حتما که عقب‌ر یا هر حیوان دیگری هم که در کنار ما در میان این شکاف زمین، شب را صبح کرده بود، برای يك شب هم که شده مهمان غریبه شان را که ما باشیم، توانستند تحمل کنند.

صبح با صدای آب و آواز پرندگان از خواب بیدار شدیم و صبحانه را روی روه زیب‌ترین تصویر طبیعت خوردیم و بعد از کمی آب تنی به سمت خودرو راهی شدیم. ابتدا می‌خواستیم ناهار را همان‌جا نوش جان کنیم، اما راهنمایمان پیشنهاد دیگری داد و ما با ذوق تمام کوله‌هایمان را جمع کردیم و راهی آبشارهای آرپناه شدیم.

